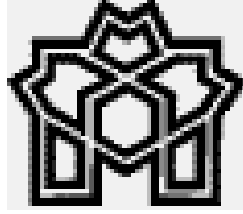


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

گروه آموزش ابتدایی

عنوان:

بررسی تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد مهارت های اجتماعی و عزت نفس
دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی

استاد راهنما:

سرکارخانم دکتر ایراندخت فیاض

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حسین اسکندری

استاد داور:

جناب آقای دکتر محمد رضا سرمدی

پژوهشگر:

سید صمد الماسی حسینی

تابستان ۱۳۹۱

تقدیم بہ پدر و مادر عزیزم

و ہمہ سر صورتوں

پاس خدایی را که زبان قلم یاری پاس او نیست.

در پایان این پژوهش بر خود لازم می دانم، از عزیزی که بزرگوارانه بنده را در نوشتن این پایان نامه یاری کردند و ذکر نامشان رانده به جبران زحمات

بی دینشان بلکه اظهار مراتب قدرشناسی ام از آن بزرگواران، سپاسگذاری کنم.

نهایت پاس را از سرکار خانم دکتر ایراندخت فیاض استاد راهنمای بزرگوارم که دقت علمی و انضباطی پژوهش را از ایشان آموختم و همچنین از

جناب آقای دکتر حسین اسکندری به پاس همراهی و راهنمایی ارزنده و همکاری صمیمانه شان.

همچنین از جناب آقای دکتر محمد رضا سردی که داور و تقدیمات نامه را به عهده گرفتند و با تقدیمی خردمندانه بر آموخته هایم اضافه کرد، نهایت

تشکر و سپاس را به جامی آوردم.

در آخر نیز لازم می دانم که از مولان محترم آموزش و پرورش شهرستان دورود و مدیران محترم مدرسه که بنده را در انجام تحقیق و گذراندن دوره

کارشناسی ارشد، همکاری نمودند تشکر نمایم.

چکیده

این پژوهش به بررسی تاثیر اجرای برنامه آموزش تفکر، با عنوان «فلسفه برای کودکان» به صورت اجتماع پژوهشی، بر بهبود مهارت های اجتماعی و عزت نفس در دانش آموزان پایه پنجم دبستان های پسرانه و دخترانه آموزش و پرورش شهرستان دورود می پردازد. برای این منظور ۶۰ دانش آموز در پایه پنجم ابتدایی (۳۰ پسر، ۳۰ دختر) به طور تصادفی انتخاب و در دو گروه گواه و آزمایش (۳۰ نفر در گروه آزمایش و ۳۰ نفر در گروه گواه) قرار گرفتند. سپس با استفاده از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت و پرسشنامه رشد مهارت های اجتماعی کرامتی فر متغیرهای عزت نفس و مهارت های اجتماعی سنجیده شد. سپس کودکان گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه هفتگی به مدت ۱ ساعت در جلسات «فلسفه برای کودکان» شرکت کردند. یافته ها نشان داد که اجرای این برنامه می تواند بر ارتقای عزت نفس و مهارت های اجتماعی دانش آموزان تاثیر معناداری بگذارد ($p < 0.001$). همچنین مشخص گردید که در میان دختران و پسران شرکت کننده در این برنامه، از نظر ارتقای عزت نفس و مهارت های اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد.

کلید واژه ها: فلسفه برای کودکان، عزت نفس، مهارت های اجتماعی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول کلیات تحقیق	
۱۳	مقدمه
۱۶	بیان مسئله
۲۰	ضرورت و اهمیت پژوهش
۲۳	اهداف پژوهش
۲۴	سؤال های تحقیق
۲۵	تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها
فصل دوم ادبیات و پیشینه تحقیق	
۲۸	مهارت های اجتماعی
۲۸	تعریف و اهمیت مهارت های اجتماعی
۳۰	عوامل انتخاب مهارت های اجتماعی
۳۴	مهارت های اجتماعی شامل چه مهارت هایی می شوند
۳۵	آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان
۳۷	عزت نفس
۳۷	تعریف و اهمیت عزت نفس
۳۹	نظریه های مرتبط با عزت نفس
۴۳	نقش عزت نفس در زندگی
۴۴	مولفه های اساسی عزت نفس
۴۶	ابعاد عزت نفس
۴۸	بررسی رابطه مهارت های اجتماعی و عزت نفس

۵۰ فلسفه برای کودکان
۵۰ تعریف و اهمیت فلسفه برای کودکان
۵۲ معرفی برنامه آموزش فلسفه برای کودکان
۵۵ هدف های آموزش فلسفه برای کودکان
۵۶ ریشه های تاریخی آموزش فلسفه برای کودکان
۶۶ پیش فرض های برنامه فلسفه برای کودکان
۶۹ ویژگی های تفکر در دوران کودکی از منظر پیاژه
۷۳ انتقاداتی بر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان
۷۴ دیدگاه های حامیان فلسفه برای کودکان
۷۵ تحقیقات انجام شده در داخل کشور
۷۶ تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

فصل سوم فرایند پژوهش

۸۰ روش پژوهش
۸۱ جامعه آماری
۸۱ نمونه و روش نمونه گیری
۸۱ ابزار پژوهش
۸۱ آموزش فلسفه برای کودکان
۸۲ پرسشنامه عزت نفس
۸۳ پرسشنامه مهارت های اجتماعی
۸۵ شیوه انجام کار
۸۶ روشهای تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم یافته های پژوهش

۸۷ یافته های تحقیق
----	-----------------------

۸۸	تعداد و درصد افراد هر گروه به تفکیک جنسیت
۸۹	شاخص های توصیفی
۹۱	یافته های استنباطی
۹۱	سؤال اول
۹۱	سؤال دوم
۹۲	سؤال سوم
۹۲	سؤال چهارم
۹۳	سؤال پنجم
۹۳	سؤال ششم
۹۴	سؤال هفتم
۹۴	سؤال هشتم
۹۵	سؤال نهم
۹۵	سؤال دهم
۹۶	سؤال یازدهم
۹۷	سؤال دوازدهم
۹۷	سؤال سیزدهم

فصل پنجم نتیجه گیری

۱۰۰	بحث و نتیجه گیری
۱۰۵	محدودیت های تحقیق
۱۰۶	پیشنهاد های تحقیق
۱۰۷	فهرست منابع و مآخذ
۱۱۳	ضمائم

فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۸۲.....	جدول ۱-۳: ضریب پایایی پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت به روش آلفای کرانباخ.....
۸۴.....	جدول ۲-۳: ضریب پایایی پرسشنامه رشد مهارت های اجتماعی - پایه پنجم ابتدایی کرامتی فر به روش آلفای کرانباخ.....
۸۸.....	جدول ۱-۴: تعداد و درصد افراد هر گروه به تفکیک جنسیت.....
۸۹.....	جدول ۲-۴: شاخص های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد میانگین) متغیرهای پژوهش برای گروه آزمایش در پیش آزمون.....
۸۹.....	جدول ۳-۴: شاخص های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد میانگین) متغیرهای پژوهش برای گروه کنترل در پیش آزمون.....
۹۰.....	جدول ۴-۴: شاخص های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد میانگین) متغیرهای پژوهش برای گروه آزمایش در پس آزمون.....
۹۰.....	جدول ۵-۴: شاخص های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد میانگین) متغیرهای پژوهش برای گروه کنترل در پس آزمون.....
۹۱.....	جدول ۶-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون احترام به دیگران دو گروه با کنترل اثر پیش آزمون.....

جدول ۷-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون همکاری دو گروه با کنترل اثر پیش

آزمون ۹۱

جدول ۸-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون انجام وظیفه دو گروه با کنترل اثر پیش

آزمون ۹۲

جدول ۹-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون رعایت مقررات دو گروه با کنترل اثر

پیش آزمون ۹۲

جدول ۱۰-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون انجام کار دو گروه با کنترل اثر پیش

آزمون ۹۳

جدول ۱۱-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون دوست یابی دو گروه با کنترل اثر

پیش آزمون ۹۳

جدول ۱۲-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون سوال کردن دو گروه با کنترل اثر

پیش آزمون ۹۴

جدول ۱۳-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون گوش دادن دو گروه با کنترل اثر

پیش آزمون ۹۴

جدول ۱۴-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون مسئولیت پذیری دو گروه با کنترل اثر

پیش آزمون ۹۵

جدول ۱۵-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون جواب نه دو گروه با کنترل اثر پیش

آزمون ۹۵

جدول ۱۶-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون فعالیت گروهی دو گروه با کنترل اثر

پیش آزمون ۹۶

جدول ۱۷-۴: نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسه میانگین پس آزمون عزت نفس دو گروه با کنترل اثر پیش

آزمون ۹۷

جدول ۱۸-۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی تفاوت میان دختران و پسران در متغیرهای وابسته

..... ۹۷

جدول ۱۹-۴: نتایج آزمون اثرات بین گروهی متغیرهای وابسته در میان دختران و پسران ۹۸

فصل اول

کلیات پژوهش

کودکی از حساس ترین دوره های زندگی انسان است که طی آن، فرد با یادگیری یک سری مهارت ها، خود را آماده مواجه با چالش های زندگی در آینده می کند (شهنی بیلاق و رضایی، ۲۰۰۱). این دوران، با تحولات و شرایط ویژه ای همراه است که تا اندازه ای بر شخصیت و سازگاری های اجتماعی فرد تاثیر می گذارد. در این دوران کودک ورود به مدرسه و اجتماع را آغاز می کند که همین امر کودک را آماده می سازد تا به سرعت تغییراتی در نگرش ها، ارزش ها و رفتار خود ایجاد کند (لطف آبادی و همکاران، ۱۳۸۳). یکی از این تغییرات زمانی رخ می دهد که کودکان در مورد عملکرد خود در مقایسه با همسالانشان بازخورد بیشتری دریافت می کنند، که همین امر عزت نفس^۱ متمایز می شود و به سطح واقع بینانه تری می رسد (برک^۲، ۱۳۸۷). از طرف دیگر ادراک اشخاص از خود (عزت نفس)، تاثیر شایانی بر رفتار آنها می گذارد (جورج و کریستین^۳، ۱۳۸۳). بنابراین مهارت های اجتماعی^۴، یکی از عناصر اجتماعی شدن در کلیه فرهنگ ها و جوامع است و همچنین توانایی ارتباط موثر با دیگران بخش بزرگی از توانایی عملکرد بین فردی را تشکیل می دهد (سلطانی، ۱۳۸۵). با این وجود فونتانا^۵ (۱۹۹۵) اعتقاد دارد که در آموزش رسمی تلاش جدی برای تجزیه و تحلیل تجارب اجتماعی و بهبود بخشیدن به مهارت های برقراری روابط اجتماعی صورت نگرفته است. از سویی دیگر تصویری که افراد از خود دارند، در زندگی شخصی و اجتماعی شان تاثیر بسزایی دارد و به داشتن یک دیدگاه سالم و حس ارزشمند نسبت به خود، همچنین احساس رضایت بیشتر از زندگی شخصی، و تعیین اهداف واقع بینانه کمک بسزایی می کند.

1. Self - steem

2 . laura berk

3 . rickey l. George & therese s. cristiani

4. Social skills

5 . Fontana

8. Cooper Smith

کوپر اسمیت^۶ (۱۹۶۷) (به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۶) چهار عامل را در تحول عزت نفس کودک و نوجوان مهم می‌داند که عبارتند از: ۱- ارزشی که کودک یا نوجوان از دیگران دریافت می‌کند ۲- تجربه همراه با موفقیت، در موقعیتی که فرد خودش را در تعامل با محیط می‌بیند ۳- تعریف شخصی کودک و نوجوان از موفقیت یا شکست ۴- شیوه‌ی برخورد کودک یا نوجوان در ارتباط با انتقاد.

بنابراین نظام‌های آموزشی باید محیطی را فراهم کنند که کودک رابه مأنوس شدن با شیوه‌ها و الگوهای صحیح رفتاری موفق، تفکر مستقل، قدرت استدلال و رابطه‌ای صحیح با محیط اطراف خود تشویق کند.

با این وجود جان دیویی در انتقاد از نظام آموزشی عصر خود به این نتیجه رسید که آموزش و پرورش با شکست مواجه شده است چرا که آموزش و پرورش بین محصول نهایی تحقیق و خود تحقیق خلط کرده است و تلاش کرده تا فقط نتایج رابه دانش آموزان یاددهد نه خود تحقیق را (ناجی، ۱۳۸۳). به هر حال از قرن هفدهم با تلاش‌های کیمنیوس^۷، فردیت و علایق کودک مورد توجه قرار گرفت و در قرن بیستم دانشمندان همچون دیویی و ویگوتسکی بر نقش تفکر در تعلیم و تربیت ادامه یافت. در ادامه این سیر تحولی در قرن حاضر رویکرد «فلسفه برای کودکان»^۸ از سوی ماتیولپمن^۹ گسترش یافته است.

طبق پیش فرض‌های مبدعان فلسفه برای کودکان، هم مهارت‌های همکاری و هم مهارت‌های تفکر که در این برنامه رشد و پرورش می‌یابند، سبب بهبود ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر می‌گردد. در واقع با شراکت کودکان در جستجویی برای معنا و بسط و توسعه قوای ادراکی و فهم آنها از مطالب، قدرت تفکر استدلالی و انتزاعی در آنان افزایش یافته و سبب ارتقای عزت نفس آنها می‌گردد، این امر به کودک کمک می‌کند تا کیفیت قضاوت‌های خود را در زندگی روزمره بهبود بخشد و بدین ترتیب روابط میان فردی سالم‌تری را بنیاد گزارد (فیشر، ۲۰۰۱).

7. Kymnyus
8. philosophy for children
9 -Matthew Lippman

بنابراین در این پژوهش محقق بر آن است تا به بررسی تأثیر فلسفه برای کودکان از طریق داستان های فکری بر بهبود مهارت های اجتماعی و عزت نفس کودکان پردازد.

بیان مسئله

آنچه در آموزش و پرورش مورد نظر است پرورش همه جانبه فرد است، که نتیجه یادگیری به معنای حفظ تجارب و نظریات علمی دیگران نیست. دروس مختلف در مدارس علاوه بر ارائه اطلاعات بسیار مهم، حیاتی و بنیادی، باید به یادگیری مستقل کودکان نیز کمک کند.

انیس^{۱۰}، لیمپن و پاول^{۱۱} ۱۹۸۹ (به نقل از شعبانی، ۱۳۹۰) معتقدند که تربیت انسان های صاحب اندیشه باید نخستین هدف تعلیم و تربیت باشد.

آلفرد نورث وایتهد (۱۹۲۹) اعتقاد داشت که « یادگیری شاگردان بی فایده است، مگر این که کتاب های خود را گم کنند، جزوه های خود را بسوزانند و جزوه های از بر شده را برای امتحان فراموش کنند.» (مایرز، ۱۳۸۰).

روسو^{۱۲} (۱۷۱۲-۱۷۷۸) فیلسوف قرن هجدهم اعتقاد دارد که باید به انسان ها کمک کرد تا به "عشق به خود" که عاطفه ای طبیعی درباره حیات است دست یابد چرا که این امر باعث خواهد شد به ارزش های انسانی نائل آیند (گوتک، ۱۳۸۴).

با این وجود، در فرهنگ هایی که در آنها خود جمعی بر خود فردی غلبه دارد، معمولاً شیوه های تربیتی، بر روش های تنبیهی بنا شده و از پذیرش حمایت و خود مختاری فرزندان، خبری نیست (جلالی و پور احمدی، ۱۳۸۹).

که همین امر ممکن است برون داد فرایند اجتماعی شدن فوق، شهروندی باشد که عزت نفس پایینی دارد و خود کار آمدی وی ضعیف است (هارجی و دیکسون^{۱۳}، ۲۰۰۴). بنابراین اگر کودکان در خانه و مدرسه پذیرفته شوند و مورد محبت قرار گیرند، به تدریج در طی رشد و تکامل خود احساس ارزشمندی را شکل می دهند (گلاسر، ۲۰۰۳).

10. Ennis

11. paul

12. jean Jacque Rousseau

13. Hargie & Dickson

عبدالله پور (۱۳۷۵)، نظری (۱۳۸۷)، نشان دادند که عزت نفس افراد، تحت تاثیر مداخله ای مبتنی بر آموزش مهارت های اجتماعی افزایش می یابد. در همین راستا، راویکز^{۱۴} (۱۹۹۸) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که تعلیم و یادگیری مهارت های اجتماعی و ابراز وجود در هر دو جنس، باعث کاهش افزایش عزت نفس می گردد. یکی دیگر از اهداف مورد نظر در تعلیم و تربیت کسب مهارت های اجتماعی است. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO^{۱۵}) پیش بینی کرده بود که پس از سال ۲۰۱۰، کمتر کسی قادر خواهد بود بدون کسب مهارت های اجتماعی و ابراز وجود، زندگی رضایت بخشی داشته باشد (منگروولکار^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۱ به نقل از جلالی و پور احمدی، ۱۳۸۹).

با این وجود فونتانا (۱۹۹۵) اعتقاد دارد علی رغم این که ما در دنیایی اجتماعی زندگی می کنیم، اکثراً آگاهی اندکی از چگونگی تجزیه و تحلیل تجارب اجتماعی مان داریم. کمال مطلوب در کلاس درس مدارس اینست که هم کارکنان و هم کودکان از آنچه در تعاملات اجتماعی شان روی می دهد بسیار مطلع باشند و از نقشی که این تعاملات در فرمول بندی نظریات آن ها نسبت به خود و دیگران دارد، آگاه شوند. به هر حال تاثیر آموزش این مهارت ها بر موفقیت در زندگی، از طریق دستکاری ظرفیت روانی - اجتماعی افراد را بالا برده و آنها را قادر می سازد تا با اندیشه و تحلیل موقعیت، به رفتاری سازگارانه و همراه با تحمل روی آورند (منگروولکار و همکاران، ۲۰۰۱ به نقل از جلالی و پور احمدی، ۱۳۸۹).

14 . Ravykz
15. World Health Organization
16. Mangrulkar

بنابراین در چارچوب برنامه های آموزشی و باز پروری مهارت برقراری روابط اجتماعی که مستلزم تلفیقی از عوامل شناختی ، عاطفی، و رفتاری است ، محققان روش های گوناگونی برای دانش آموزان برنامه ریزی کرده اند، که از آن جمله می توان به فعالیت های گروهی اشاره نمود. آموزگار می تواند با تلاش در جهت افزایش فهم و کفایت و فراهم آوردن زمینه مساعد برای فعالیت گروهی دانش آموزان ، مهارت های ارتباطی آنان را شکوفا کند (کارتلیج^{۱۷} و همکاران، ۱۳۶۹). علاوه بر این ، تحقیقات متعددی از تاثیر داستان خصوصاً به شیوه گروهی بر بهبود مهارت های ارتباطی کودک دلالت دارد (میرزا خانی، ۱۳۸۴؛ زورآبادی، ۱۳۸۲؛ مللی، ۱۳۸۶).

آنچه که در بالا گفته شد، در الگوی لیپمن با عنوان آموزش فلسفه به کودکان علاوه بر بهره گیری از فواید گروه و داستان سرایی جمعی ، با وضع قوانین خاص در گروه (اجتماع پژوهی) و تدوین متون داستانی خاص (داستان های فکری با مضمون فلسفی) به فوایدی فراتر از گروه های قبلی دست یافت، که از مهمترین آنها به بهبود و رشد تفکر انتقادی، خلاق و منسجم و ریزبینانه اشاره کرد. افرادی که در این دوره ها شرکت می کنند مهارت تفکر را فرا گرفته و قادر می شوند در صورت لزوم تغییر نگرش دهند. بدین ترتیب مهارت های ارتباطی آنها بهبود یافته و توانایی آنها برای رابطه با دیگران افزایش می یابد (ناجی، ۱۳۸۷).

بنابراین طی پژوهش های متفاوتی (تریکی و تاپینگ^{۱۸}، ۲۰۰۴؛ ویلیامز^{۱۹}، ۱۹۹۳؛ دپارتمان سلامت و مردم^{۲۰}، ۱۹۸۰) محرز گردید که پایه های اساسی این برنامه که شامل گفت و گو ، پرسشگری ، تامل، ابراز عقیده، احترام به عقاید و حقوق دیگران ، احترام به عقیده خود و دفاع از آن همراه با استدلال ، پذیرش آرا و نظرات دیگران ، رعایت قواعد جمعی و... می باشد در ارتقای عزت نفس اجتماعی و بهبود ارتباطات میان فردی دانش آموزان تاثیر شگرفی دارد .

17. Cartledge

18. Trickey & Topping

19. williams

20. department Health and people

تأحدی که حتی برخی معلمان معتقدند فلسفه جاری در اجتماع پژوهشی چندان هم پیرامون رشد زبان و مهارت های تفکر نیست، بلکه ارزش این فلسفه آن است که موجب تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی می شود. جامعه کاوشگر می تواند به کودکان کمک کند تا به پرورش مهارت ها و گرایش هایی پردازد که با آنان توانایی ایفای کامل نقش خود را در جامعه ای کثرت گرا را بدهد (فیشر^{۲۱}، ۱۳۸۵). بنابراین محقق در این پژوهش در پی آن است که آیا برنامه آموزش فلسفه به کودکان در بهبود رفتارهای اجتماعی و عزت نفس کودکان تأثیر دارد یا خیر؟

ضرورت و اهمیت تحقیق:

بخش اعظم دانش تعلیم و تربیت، به جای تمرکز بر دست یابی به استعدادهای نهفته ای که امکان شکوفا کردن آنها وجود دارد، روی مهارتهای اساسی خاصی (۳R) تمرکز می کند (فیشر، ۱۳۸۵). این در حالی است که جان دیویی اعتقاد دارد، در آموزش باید کودک را به صورت کلی در نظر گرفت و بر انطباق او با محیط تاکید کرد (بیابانگرد، ۱۳۹۰).

یکی از این ابعاد تربیت اجتماعی مطلوب، روابط انسان بادیگران و توانایی سازگاری با محیط مهم ترین عامل احساس شادکامی است. مهارت های برقراری روابط اجتماعی، یکی از عناصر اجتماعی شدن در کلیه فرهنگ ها و جوامع است و همچنین توانایی ارتباط موثر بادیگران بخش بزرگی از توانایی عملکرد بین فردی را تشکیل می دهد. در نظام آموزشی اگر کودکی فاقد مهارت های اجتماعی باشد، اغلب با وصله های ناجور برجسب زده می شود و به عنوان کسی که مشکلات اجتماعی دارد شناخته می شود. ناتوانی در مهارت های اجتماعی حتی مشکلاتی را در زمینه پیشرفت تحصیلی به وجود می آورد، چراکه فقدان این مهارت ها می تواند خود ارزشی و عزت نفس فرد را تباہ ساخته و به عنوان فردی متفاوت از دیگران و یا غیر طبیعی از نظر همسالان تلقی گردد. در چنین وضعی فرد به راه حتی مورد طرد قرار می گیرد و موقعیت های مطلوب رشد و پیشرفت همگام با همسالان را از دست می دهد (سلطانی، ۱۳۸۵؛ به نقل از هدایتی، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، هنگامی که کودکان در اواسط کودکی به محیط های گسترده تری در مدرسه و جامعه وارد می شوند برای کسب اطلاعات در مورد خود به افراد بیشتری توجه دارند. که همین امر باعث می شود که عزت نفس متمایز شود و به سطح واقع بینانه تری می رسد (برک، ۱۳۸۷).